



بخش چهارم

محتوای کتاب عربی پایه نهم  
و چگونگی آموزش درس‌ها



**اهداف رفتاری:** دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند در کنار واژگان جدید درس مهم‌ترین

آموخته‌های کتاب درسی عربی پایه هفتم و هشتم را به شرح زیر به یاد بیاورد:

- ۱- معنای ۱۶ کلمه جدید این درس را از عربی به فارسی ذکر کند؛
- ۲- مهم‌ترین سخنان حکیمانه عربی پایه هفتم و هشتم را ترجمه کند؛
- ۳- اسم‌های مفرد، مثنی و جمع را در جمله تشخیص دهد؛
- ۴- ساختار جمله‌های دارای اسم اشاره به دور و نزدیک را درست تشخیص دهد؛
- ۵- با کلمات پرسشی «هل، أ، آین، مَنْ (مَنْ هُوَ، مَنْ هِيَ)، ما (ما هُوَ، ما هِيَ، ماذا)، کَم، لِمَاذا، متی و کیف» پرسش و پاسخ انجام دهد؛
- ۶- فعل‌های ماضی و مضارع (ثلاثی مجرد صحیح و سالم) را در جمله تشخیص دهد و ترجمه کند؛
- ۷- نام رنگ‌های اصلی را در حالت عمومی (مذکر) بیان کند؛
- ۸- نام روزهای هفته و فصل‌ها را از حفظ بگوید؛
- ۹- کلمات مترادف و متضاد را تشخیص دهد؛
- ۱۰- کلمات پرکاربرد عربی پایه هفتم و هشتم را درست ترجمه کند؛
- ۱۱- معنای ضمائر را بگوید؛
- ۱۲- عددهای اصلی را از یک تا دوازده و ترتیبی را از یکم تا دوازدهم از حفظ بگوید.

## فرایند آموزش

ابتدای متن درس با خوشامدگویی به دانش‌آموزان و مقدمه‌ای کوتاه آغاز شده، سپس شعری شاد برای دانش‌آموزان آورده شده است. شایسته می‌باشد متن شعر با استفاده از کتاب گویا برای دانش‌آموزان اجرا گردد. وزن شعر، وزنی شاد است؛ (مفتعلن فعلن فعلاتن) لذا دانش‌آموزان می‌توانند آن را در کلاس نیز اجرا کنند.

**هماهنگی در ترجمه متن درس:**

يَبْتَدِي الْعَامَ الدَّرَاسِيَّ الْجَدِيدُ. يَذْهَبُ الطُّلَابُ وَ الطَّالِبَاتُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ بِفَرَحٍ؛ هُمْ يَحْمِلُونَ

حَقَائِبُهُمُ؛ الشَّوَارِعُ مَمْلُوءَةٌ بِالْبَيْنِ وَ الْبَنَاتِ. بَيَّنَدِي فُضْلَ الدَّرَاسَةِ وَ الْقِرَاءَةِ وَ الْكِتَابَةِ وَ فَضْلَ الصَّدَاقَةِ  
بَيْنَ التَّلَامِيذِ.

سال تحصیلی جدید (نو) آغاز می شود (شروع می شود). دانش آموزان پسر و دختر با خوشحالی به مدرسه می روند، آنها کیف هایشان را برمی دارند (حمل می کنند)؛ خیابان ها پر از پسران و دختران است. فصل درس خواندن و خواندن و نوشتن و فصل دوستی میان دانش آموزان آغاز می شود.

|   |   |
|---|---|
| ﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾                    | به نام خداوند بخشنده مهربان   |
| أَبْدَأُ بِاسْمِ اللّٰهِ كَلَامِي                             | أَذْكُرُ رَبِّي عِنْدَ قِيَامِي                                     |
| با نام خدا سختم را آغاز می کنم                                | پروردگارم را هنگام برخاستنم یاد می کنم                              |
| أَبْدَأُ بِاسْمِ اللّٰهِ دُرُوسِي                             | أَذْكُرُ رَبِّي عِنْدَ جُلُوسِي                                     |
| با نام خدا درس هایم را آغاز می کنم                            | پروردگارم را هنگام نشستنم یاد می کنم.                               |
| أَقْرَأُ بِاسْمِ اللّٰهِ كِتَابِي                             | أَسْأَلُ رَبِّي حَلَّ صِعَابِي                                      |
| کتابم را با نام خدا می خوانم                                  | از پروردگارم، حلّ سختی هایم (مشکلاتم) را درخواست می کنم. (می خواهم) |
| مَكْتَبِنَا نُورٌ وَ حَيَاةٌ                                  | فِيهِ دُعَاءٌ، فِيهِ صَلَاةٌ  |
| مکتب ما (مدرسه ما) روشنایی و زندگی است.                       | در آن دعاست، در آن نماز است.  |
| فِيهِ عُلُومٌ، فِيهِ كَمَالٌ                                  | فِيهِ كُنُوزٌ، فِيهِ جَمَالٌ  |
| در آن دانش هاست، در آن کمال هست.                              | در آن گنج هاست، در آن زیبایی هست.                                   |
| يَتَخَرَّجُ مِنْهُ الْعُلَمَاءُ                               | وَ يُدْرَسُ فِيهِ الْحِكْمَاءُ                                      |
| دانشمندان از آن فارغ التحصیل می شوند<br>(دانش آموخته می شوند) | و حکیمان در آن درس می خوانند.                                       |
| هَا كُتُبِي أَنْوَارٌ سَمَائِي                                | مَرَحَمَةٌ، كَنْزٌ، كَدَوَائِي                                      |
| هان، کتاب هایم روشنایی های آسمانم،                            | مهربانی و گنج و مانند دارویم هستند.                                 |
| أَبْدَأُ بِاسْمِ اللّٰهِ أُمُورِي                             | فَأَسْمُ إِلَهِي، زَادٌ سُرُورِي                                    |

نام خدایم، شادی‌ام را افزون ساخت (زیاد کرد)

با نام خدا کارهایم را آغاز می‌کنم

## واژگان

این درس ۱۶ واژه جدید دارد. از آنجا که هدف درس اول صرفاً دوره‌ای بر آموخته‌های پیشین بوده است؛ لذا تعداد کلمات جدید اندک است.

## سخنان حکیمانه

اغلب جملات حکمت‌آمیز عربی هفتم از احادیث پیامبر اسلام ﷺ و حضرت علی علیه السلام است. سعی شده است تا فرایند ترجمه این عبارات تنوع داشته باشد. سخنان حکمت‌آمیز را دانش‌آموزان می‌خوانند و ترجمه می‌کنند. معلم در اینجا نقش راهنما و مصحح دارد.

## قواعد

خلاصه آنچه دانش‌آموز در عربی هفتم خوانده در تمریناتی متنوع طراحی شده است. هدف از قواعد فقط کمک به ترجمه است و خود به خود هدف نیستند. همانند کتاب درسی عربی هفتم و هشتم در این کتاب نیز هدف تا پایان کتاب فقط این است که دانش‌آموز بتواند درست بخواند و درست ترجمه کند و جمله‌ای را که معلم بر زبان می‌آورد درست بشنود و از آنجا که یکی از دو هدف آموزش درس عربی کمک به زبان و ادبیات فارسی است باید بتواند در درس فارسی به او کمک کند.

## تمرین‌ها

هدف اصلی در این قسمت، تثبیت یادگیری در سه حوزه واژگان، قواعد و ترجمه است و در راستای اصل تسهیل آموزش عربی سعی شده است تا: تمرین درس ساده باشد؛ تا دانش‌آموز از حل آن لذت ببرد. تعداد آنها نیز کم باشد؛ تا معلم فرصتی برای تقویت و ارتقای دو مهارت زبانی شنیدن و خواندن داشته باشد.

شایسته است دبیر ارجمند برگه‌ای مخصوص قرائت دانش‌آموزان داشته باشد و هر بار که کسی

عبارتی یا تمرینی را می‌خواند در آن علامت بزند تا عدالت آموزشی در این باره اجرا شود. برای حلّ تمرینات نیازی به دفتر پاک‌نویس نیست. در کتاب درسی جای جواب پیش‌بینی شده است.<sup>۱</sup>

این کار موجب می‌شود دانش‌آموز کمتر خسته شود و فرصت کافی برای مهارت شفاهی زبان داشته باشد.

حلّ تمرین‌ها بر عهده دانش‌آموز است و نقش معلم، نظارت و تصحیح است. به‌منظور صرفه‌جویی در وقت کلاس تمرینات به‌گونه‌ای طراحی شده است که معلم بتواند در دو جلسه درس اول را به پایان برساند.

**تمرین اول، دوم و سوم:** در این سه تمرین، چند آیه شریفه و نیز مهم‌ترین سخنان حکمت‌آمیز عربی پایه هفتم و هشتم برای تقویت مهارت ترجمه‌گزینش شده است. جملات این تمرین‌ها را می‌توان در زندگی روزمره به‌عنوان شاهد مثال برای بسیاری از موقعیت‌ها به‌کار برد.

**تمرین چهارم:** دانش‌آموز در این تمرین، باید فعل‌های ماضی و مضارع را در چند آیه معلوم کند. او باید بتواند این آیات را درست بخواند. در دو کتاب پیشین با ترجمه این آیات آشنا شده است. **تمرین پنجم:** در این تمرین پنج آیه از آیات شریفه قرآن که به لحاظ ساختاری مطابق با اهداف ساختاری کتاب عربی هفتم و هشتم هستند، برای تمرین ترجمه انتخاب شده‌اند.

**تمرین ششم:** هدف تقویت توانایی دانش‌آموز در تشخیص زمان فعل است. دانش‌آموز باید بتواند دو فعل ماضی و مضارع را از هم تشخیص دهد تا بتواند آنها را درست ترجمه کند.

**تمرین هفتم:** هدف تطابق ضمیر و فعل است. هرچند دانش‌آموز در پایه هفتم با ضمائر آشنا شده است، ولی تکرار آن و به‌ویژه نهادن آن کنار ضمیر منفصل به تقویت یادگیری منجر می‌شود.

**تمرین هشتم:** این تمرین موجب تقویت شناخت و ترجمه فعل می‌شود. درجه دشواری تمرین بسیار بالاست. لذا باید از دانش‌آموزان مستعد و قوی‌تر سؤال شود. در طرح سؤال امتحان سؤال مناسبی نیست، ولی برای تمرین در کلاس و تقویت مهارت شناخت فعل خوب است.

**تمرین نهم:** این تمرین برای تقویت مهارت مکالمه است. دانش‌آموز با توجه به تصاویر به سؤالات پاسخ می‌دهد. این تمرین به دلیل مصور بودن، جذابیت دارد. دانش‌آموزان از این سؤال در

---

۱- در امتحان شفاهی به‌راحتی می‌توان از کتابی دست‌نخورده استفاده کرد. برخی می‌گویند اگر دانش‌آموز پاسخ را در کتاب بنویسد روز امتحان نمی‌تواند خودآزمایی کند؛ اما چنین نیست با چیزی شبیه یک تکه کاغذ یا خط‌کش به‌راحتی می‌توان روی پاسخ‌ها را گرفت.

امتحان لذت می‌برند، ولی طرح چنین سؤالی بسیار وقت‌گیر است؛ زیرا باید مصور باشد. هر تصویری نیز برای برگه امتحانی مناسب نیست؛ لذا طراحی سؤال ساده نیست؛ اما از نظر آموزشی کاری شایسته تقدیر است.

اما چند جواب پیشنهادی جهت هماهنگی در حل تمرین به ترتیب عبارت است از:

۱- حَمَامَتَانِ یا علی الشجرة حمامتان. ضمناً اگر دانش‌آموز جواب داد حمامتین نباید غلط گرفت. چون فرق حمامتان و حمامتین را نمی‌داند و آموزش ندیده است. ۲- نعم. یا نعم، هذا زمیلي. یا نعم، هو زمیلي. یا لا، ليس هذا زمیلي و ... ۳- بين الشجرتين. یا هو بين الشجرتين. یا ذلك الرجل بين الشجرتين. یا في الغابة یا ...

۴- لسعدی. یا ... ۵- في الكيمياء. یا ... ۶- أربعة. تطابق عدد و معدود مطلقاً از اهداف نیست. (أربعة كراسي)

۷- سيارة. یا في هذه الساحة سيارة. ۸- چندین پاسخ می‌توان داد. مثلاً بعد دقائق و ... ۹- بخیر. نحن بخیر یا ...

۱۰- بالطائرة. یا يسافرون بالطائرة و ...

### تمرین دهم:

هدف، تکرار عددهای یک تا دوازده، اول تا دوازدهم، روزهای هفته، نام فصل‌ها و نام سه وعده غذایی است.

**تمرین یازدهم:** این تمرین موجب تقویت مهارت زبانی مکالمه می‌گردد. هرچند آموزش مهارت زبانی مکالمه از اهداف اصلی این کتاب نیست؛ اما این تمرین موجب تحرک در کلاس درس و ایجاد علاقه و انگیزه می‌گردد.

**تمرین دوازدهم:** این تمرین برای تثبیت آموخته‌های پیشین دانش‌آموز در ضمیر و فعل ماضی و مضارع است. آنچه را دانش‌آموز در این زمینه آموخته است با تکرار و تمرین ملکه ذهن خودش می‌سازد. **تمرین سیزدهم:** هدف تقویت مهارت واژه‌شناسی است. از دانش‌آموز بخواهیم هر چهار کلمه را معنا کند، سپس کلمه‌ای را که از نظر معنایی با سه کلمه دیگر ناهماهنگ است، معلوم کند و دلیل ناهماهنگی را توضیح دهد.

مثلاً سؤال اول باید این گونه حل شود. مَوْظَفَةٌ □ طَبِيبَةٌ □ طَبَّاحَةٌ □ حَقِيبَةٌ □

گزینه‌های اول، دوم و سوم شغل هستند. (کارمند، پزشک و آشپز) اما گزینه چهارم به معنای



کیف یا چمدان است و ربطی به سایر گزینه‌ها ندارد.

توجه داشته باشیم که در طراحی این سؤال چنین اشتباهی را مرتکب نشویم.

کدام کلمه از نظر معنایی و دستوری با بقیه کلمات ناهماهنگ است؟

۱- مَوْظَفَةٌ □ طَبِيبَةٌ □ طَبَاخَةٌ □ حَقِيبَةٌ □ پاسخ حَقِيبَةٌ است.

مَوْظَفَةٌ □ طَبِيبَةٌ □ طَبَاخٌ □ حَقِيبَةٌ □ علاوه بر حَقِيبَةٌ، طَبَاخٌ نیز می‌تواند ناهماهنگ

باشد.

۲- مُحَافِظَةٌ □ قَرِيبَةٌ □ مَدِينَةٌ □ طَبِيبٌ □ پاسخ طَبِيبٌ است.

مُحَافِظَةٌ □ قَرِيبَةٌ □ بَلَدٌ □ طَبِيبَةٌ □ پاسخ می‌تواند طَبِيبَةٌ باشد و بَلَدٌ نیز درست

است.

در طراحی سؤال برای این بخش دقت لازم را داشته باشیم که سؤال، دو پاسخ نداشته باشد.

**تمرین چهاردهم:** هدف از این تمرین، تقویت مهارت واژه‌شناسی و درک مطلب است.

دانش‌آموز باید معنای کلمات داده شده و معنای جمله‌ها را بفهمد و ارتباط میان آنها را کشف کند.

به لحاظ آموزشی این تمرین در مرحله بالایی از سطوح یادگیری است. طرح چنین سؤالی در امتحان

سخت و وقت‌گیر ولی با ارزش است.

**تمرین پانزدهم:** هدف از این تمرین تقویت مهارت واژه‌شناسی است. دانش‌آموز با کاربرد

واژگان در این تمرین آشنا می‌شود. از این تمرین در آموزش زبان بسیار استفاده می‌شود.

**تمرین شانزدهم:** برای تقویت توان واژه‌شناسی دانش‌آموز است. در آموزش هر زبانی، تمرین

متضاد و مترادف طراحی می‌گردد؛ زیرا روش مناسبی برای تسلط بر مفردات است.

از طراحی چنین سؤالاتی در امتحان خودداری گردد:

مترادف کلمات داده شده را بنویسید: والده، بیت، بستان

متضاد کلمات داده شده را بنویسید: قلیل، بعید، یمین

طرح سؤال لازم است بدین گونه باشد:

کلمات متضاد را دوه‌دو کنار هم بنویسید. (قریب / قبیح / صغیر / کبیر / بعید / جمیل)

کلمات مترادف را دوه‌دو کنار هم بنویسید. (ورد / رجل / امرأ / زهر)

بین کلمات مترادف و متضاد علامت مناسب بگذارید: قریب ... بعید      والده ... أمُّ

**تمرین هفدهم:** هدف از این تمرین، یادآوری آموخته‌های درس اول عربی هفتم است. هرچند

از این مطلب در امتحان سؤال طرح نمی‌شود اما دانستن این مطلب به فهم زبان کمک می‌کند. گذشت

زمان موجب فراموش شدن آموخته‌ها می‌گردد؛ لذا هرچند وقت یک بار این یادآوری‌ها لازم است.

## ارزشیابی

در ارزشیابی از درس اول باید توجه داشت که همان‌گونه که از نام درس پیداست کلاً این درس ارزشیابی است و نیازی به ارزشیابی مجدد از آن نیست. پس می‌توان از دانش‌آموزان خواست تا در گروه‌های چندنفره آن را حل کنند، سپس رفع اشکال توسط معلم انجام شود، یا اینکه در منزل حل کنند و در کلاس رفع اشکال گردد. انتظار نمی‌رود در مدت دو جلسه آموزشی در آغاز مهرماه کلاً مطالب عربی پایه هفتم و هشتم به اندازه کافی، تکرار و تمرین گردد. در این درس فقط مهم‌ترین مطالب تکرار شده است و به تدریج در درس‌های دوم تا دهم این تکرار در دل متون، عبارات و تمرینات انجام خواهد شد. این تکرار حتی در سال‌های آینده نیز انجام خواهد شد.

## وسایل کمک آموزشی

شایسته است دبیران محترم از این وسایل کمک آموزشی در کلاس استفاده کنند:  
کتاب گویا، نرم افزار آموزشی، فیلم، اینفوگراف<sup>۱</sup>، پاورپوینت، کلیپ آموزشی، اسلاید، پوستر، فلش کارت

۱- آموزگاران، خبرنگاران و ... اینفوگرافیک را به عنوان امتیازی یافته‌اند که در رساندن تندتر و تیزهوشانه‌تر مقاصدشان به مخاطبان آنها را یاری می‌رساند. (یک انقلاب بصری)  
امروزه باید بصری صحبت کنیم. با تصویرسازی درست، افراد می‌توانند سریع‌تر و با پشتیبانی اطلاعات بهتر تصمیم‌سازی کنند.

اینفوگراف چیست؟

واژه اینفوگراف Infograph کوتاه شده Information Graphic است. امروزه اینفوگراف‌ها را بسیار در اطراف خود مشاهده می‌کنیم، کتاب‌های کودکان، اخبار، نقشه‌ها و ارائه اطلاعات علمی، همه به نوعی از اینفوگراف به عنوان یک ابزار کارا استفاده می‌کنند. ابزاری که دو هدف عمده را پوشش می‌دهد:  
اینفوگرافیک نمایشگر تصویری اطلاعات و داده‌هاست.

تحقیقات نشان می‌دهد که مردم توجه کمتری به نوشته‌ها و متون دارند و این توجه کمتر و کمتر می‌شود و تمایل برای صرف زمان بیشتر بر جنبه‌های بصری وجود دارد. استفاده از گرافیک‌های اطلاع‌رسان باعث می‌شود بیننده با نگاهی کوتاه حجم قابل توجهی از اطلاعات را که شکل نوشتاری آن ممکن است مقاله بلند بالایی را تشکیل دهد، به سادگی از طریق بصری دریافت کند و حتی آن را به خاطر بسپارد. شاید به همین دلیل باشد که امروزه گرافیک‌های اطلاع‌رسان همه جا مشاهده می‌شوند، از نشریات گرفته تا علائم راهنمایی و رانندگی.

آنچه یک دیدن کند ادراک آن سال‌ها نتوان نمودن با بیان (مولوی) ←



## دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱- جمع این به دو صورت اُبناء و بَنُونَ (بَنِينَ) درست است. کلمه بنین که در درس آمده است ملحق به جمع مذکر سالم است. ملحق به جمع مذکر سالم کلماتی هستند که اعراب جمع مذکر را می‌گیرند؛ اما شرایط آن را ندارند و معروف‌ترین آنها عبارت‌اند از کلماتی که معنای جمع دارند و مفردی از خود ندارند؛ مانند:

«أولو» و «عالمون» (جمع عالم) و «اعداد عقود»، مانند «عشرون» تا «تسعون» و کلماتی نظیر «بنون» و «أرضون» و «سنون» که ملحق به جمع محسوب می‌شوند.

۲- تلمیذ: به معنای دانش‌آموز دبستان است. واژه سُریانی معرب به معنای شاگردی است که پیشه‌ای می‌آموزد. (خود کلمه شاگرد نیز در فارسی شاه‌گرد بوده است. یعنی خدمتگزاری که گرد شاه است.) جمع آن افزون بر تلامیذ، تلامیذة نیز هست. در فارسی مصدر «تَلَمَّذ» را از آن ساخته‌ایم که در عربی به کار نمی‌رود. تلمیذ تقریباً هم‌معنای طالب است. اما طالب دانش‌آموز دبیرستانی و یا دانشجو است؛ مثال:

طالب ثانوی: دانش‌آموز دبیرستانی و طالب جامعی: دانشجو.<sup>۱</sup>

→ نخستین اینفوگرافیک‌ها را می‌توان در نگاره‌های داخل غار انسان‌های نخستین یافت.

برخی اینفوگراف‌ها یک داستان را در یک نگاه کوتاه و خواندن مختصر بیان می‌کنند. برخی دیگر کمی پیچیده‌ترند و نیاز دارند که خواننده زمان بیشتری به همراه تفکر صرف کند.

جدول صرف فعل مضارع در حالی که در آن به حروف مضارعه (یَ، تَ، نَ، أ) و ضمایر متصل فاعلی و اعراب اصلی و فرعی رفع اشاره شده است زبان عربی را زبانی دشوار جلوه‌گر می‌سازد.

دانش‌آموز با دیدن جزوه‌ای که قواعد فعل مضارع را مفصلاً آموزش می‌دهد یادگیری زبان عربی را بسیار سخت می‌بیند؛ اما یک اینفوگراف او را کنجکاو و علاقه‌مند می‌سازد.

در یک اینفوگراف، جملاتی مانند «اللاعبُ الفائزُ يرفعُ الكأسَ». دیده می‌شود که در کنار آن تصویر بازیکنی که جام پیروزی را بالا برده است.

دانش‌آموز با دیدن جمله‌ها و تصاویر با ساختار فعل مضارع آشنا می‌شود.

۱- تلمیذ: دانش‌آموز دبستانی، شاگرد / الجمع: تلامیذة و تلامیذ

التلمیذ: خادم الأستاذ من أهل العلم أو الفن أو الحرفة، طالب العلم، وخصه أهل العصر بالطالب الصغير في المراحل

الدراسیة الأولى، تلمیذ في مدرسة ابتدائية، صبي يتعلم صناعة أو حرفة

۳- قَامَ یعنی ایستاد، برخاست، بلند شد؛ اَمَا وَقَفَ یعنی ایستاد، توقف کرد.<sup>۱</sup>

۴- مصدر دَرَسَ يَدْرُسُ می‌شود: دِرَاسَةٌ و دَرَسٌ. دَرَسَ الثَّوْبَ: جامه را کهنه کرد. وجه تسمیه

دَرَس همین است که آن قدر باید خواند که گویی مانند جامه‌ای کهنه شود.<sup>۲</sup>

۵- دِرَاسَةٌ به دو معنای «درس خواندن» و «بررسی و پژوهش» است.

---

۱- قَامَ: قَامَ إِلَى / قَامَ بِ- / قَامَ عَلَى / قَامَ لِي يَقُومُ، قُمَ، قَوْمًا و قِيَامًا و قَامَةً، و اسم فاعله قائم و اسم مفعوله مَقُوم

قَامَ الشَّخْصُ: وقف و نهض، انتصب، عکسه قعد

قَامَ النَّهَارُ: اِنْتَصَفَ

قَامَ مِنْ نَوْمِهِ: اِسْتَبَقَطَ

قَوْمُوا بِنَا: هَيُّوا بِنَا

قَامَ يَخْطُطُ لِمَشْرُوعِهِ: اَخَذَ، شَرَعَ

قَامَ بِهِ وَ قَعَدَ: نَشَرَ عَنْهُ اَخْبَارَ السُّوءِ

قَامَ عَلَى الامر: دَامَ و تَبَّتْ

قَامَ لِلامر: تولاه

۲- دَرَسَ / دَرَسَ بِ- / دَرَسَ فِي يَدْرُسُ، دِرَاسَةٌ دَرَسٌ، دِرَاسٌ و دُرُوسًا، و اسم فاعله دارس، و اسم مفعوله مَدْرُوس و الجمع:

دُرُوسٌ، و دَوَارِسٌ

دَرَسَ الكِتَابَ و نَحَوَهُ: كَرَّرَ قِرَاءَتَهُ لِيحْفَظَهُ

دَرَسَ الاَثَرَ: تَقَادَمَ عَهْدُهُ

دَرَسَ الثَّوْبَ و نَحَوَهُ: بَلِيَ

دَرَسَ العِلْمَ عَلَى فلان: تَلَقَّاهُ عَلَى يَدَيْهِ، تَتَلَمَذَ لَهُ

دَرَسَ بالمعهد / دَرَسَ فِي المعهد: تَعَلَّمَ فِيهِ

دَرَسَ الثَّوْبَ: صَبَّرَهُ بِالْيَأْ

دَرَسَ الكِتَابَ أَوْ الدَّرْسَ: اَحَاطَ بِمَا فِيهِ مِنْ عُلُومٍ أَوْ مَعَارِفٍ لِيَفْهَمَهَا وَ يَتَعَرَّفَهَا

دَرَسَ الْمَوْضُوعَ: تَقَصَّاهُ وَ بَحَثَ فِيهِ

دَرَسَ دَرَسًا و دُرُوسًا: عَفَا وَ ذَهَبَ اَثَرُهُ

دَرَسَ: (فعل) دَرَسَ يَدْرُسُ، تَدْرِيسًا، و اسم فاعله مَدْرَسٌ، و اسم مفعوله مَدْرَسٌ

دَرَسَ الكِتَابَ و نَحَوَهُ: قَامَ بِتَدْرِيسِهِ، اَقْرَأَهُ وَ اَفْهَمَهُ لِلطَّلِبَةِ وَ نَحْوِهِمْ

دَرَسَتِ الحَوَادِثُ الرَّجُلَ: جَرَّبَتْهُ، دَرَّبَتْهُ

دَرَسَ: (اسم) الجمع: اُدْرَاسٌ، و دِرْسَانٌ وَ دُرُوسٌ

الدَّرْسُ: الخَلْقُ البَالِي مِنَ الثِّيَابِ وَ غَيْرِهَا

الدَّرْسُ: الطَّرِيقُ الخَفِيُّ

الدَّرْسُ: المِقْدَارُ مِنَ العِلْمِ يَدْرُسُ فِي وَقْتٍ مَا وَ الجَمْعُ: دُرُوسٌ وَ اُدْرَاسٌ

قَيْدُ الدَّرْسِ: تحت الدَّرْسِ



۶- فرق عام و سَنَة: معمولاً این دو مترادف گرفته می‌شوند. در قرآن کلمات «عام، عامین» و «سنة، سنین» به دفعات به چشم می‌خورد، در حالی که در فرهنگ‌های لغت عربی و فارسی هر دو را مترادف و یا با تعاریفی نزدیک به هم ذکر کرده‌اند، از جمله المنجد ذیل عام (عَوَمَ) آن را این‌گونه تعریف کرده است: «أربعة فصول، سنة كاملة متوالية» و در تعریف سنة (سنا- سنو) آورده‌اند: «اثنا عشر شهراً» و «۳۶۵ يوماً»؛ یعنی «سَنَة» همان سال خورشیدی است. گفته می‌شود:

(عام الفیل)، (عام الحزن)، (عام الوفود)، (عام فتح مکه) ولی گفته نمی‌شود: (سنة الفیل)، (سنة الحزن) و (سنة فتح مکه). امروزه (عام ۲۰۱۴) و (سنة ۲۰۱۴) هر دو گفته می‌شود؛ اما در متون کهن (سنة) گفته می‌شد و (عام) برای حوادث بوده است.

امروزه اصطلاح العامُ الدَّرَاسِيُّ کاربرد بیشتری از السَّنَة الدَّرَاسِيَّةُ دارد.<sup>۱</sup>

۷- مَمَرٌ؛ یعنی راهرو یا گذرگاه. مَمَرٌ الطَّابِقِ الثَّلَاثِ؛ یعنی راهرو طبقه سوم.<sup>۲</sup>

۸- زَادٌ دو معنا دارد: زیاد شد، زیاد کرد.<sup>۳</sup>

۱- عام: (اسم) الجمع: أعوام / العامُ: السَّنَة / رأس العام: أوَّلُه

عام العُزْن: العام العاشر من بعثة النبي (ص) و هو العام الذي تُوِّفِي فيه أحبُّ النَّاسِ إلى الرسول و آخرهم عنده؛ زوجته خديجة، و عمه أبوطالب

عام الفیل: العام الذي هجم فيه الأحباشُ بأفياهم على الكعبة، و فيه كانت ولادة النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ

سَنَة: (اسم) الجمع: سنوات، و سِنُونَ

السَّنَة: فترة من الرَّمَن مَدَّتْهَا اثنا عشر شَهْرًا

السَّنَة: الأَرْض المَجْدِبَة

السَّنَة البسيطة: عدد أيامها ۳۶۵ يوماً، / السَّنَة الدَّرَاسِيَّةُ أَوْ السَّنَة المَدْرَسِيَّة: مُدَّة الدَّرَاسَة وَ تَمْتَدُّ عَادَةً من أوائل الخريف

حتى أوائل الصَّيف من العام التَّالِي / السَّنَة المِلَادِيَّة: السَّنَة التي يبدَأُ عَدُّهَا عام ولد المسيح / رأس السَّنَة: أوَّلُ يوم منها

۲- مَمَرٌ: راهرو، گذرگاه الجمع: ممرات و ممرًا

على مَمَر العصور: على طولها و مداها / على مَمَر الفصول: على توابعها و تعاقبها / مَمَر مَائِي: مسطح مَائِي صالح للملاحة

كهر أو قناة / مَمَرُ الرَّاجِلِينَ، مَمَرُ المُنشَاة: الحَبْرُ المَوْجُودُ بَيْنَ خَطَّيْنِ عَرِيضَيْنِ وَ الرَّابِطُ بَيْنَ رَصِيْفَيْنِ

۳- زَادٌ / زَادٌ على / زَادٌ عن / زَادٌ في / زَادَ يَزِيدُ، زِدَ، زِيَادَةٌ، زَيْدٌ، مَزِيدٌ و اسم فاعله زائد و اسم مفعوله مَزِيدٌ - للمتعدِّي:

زَادَ عَدَدَ السُّكَّانِ: تَضَاعَفَ، كَثُرَ / زَادَهُ اللهُ رِزْقًا عَلَى رِزْقِهِ: وَهَبَهُ، مَنَحَهُ طَه، آيَة ۱۱۴: ﴿وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾

زَادَ الشَّيْءَ: جعله يزيد / زاد الطَّيْنُ بِلَّةً: زاد الأمرُ سوءًا، أو خَطُورَةً / زِدَ عَلَى ذَلِكَ أَنْ: أَضِفَ إِلَى ذَلِكَ

اهداف رفتاری: دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند:

- ۱- معنای ۲۹ کلمه جدید این درس را از عربی به فارسی ذکر کند؛
- ۲- متن درس را درست قرائت و ترجمه کند؛
- ۳- پیام متن را درک کند؛
- ۴- به هنگام ضرورت به حکمت‌های خوانده شده استشهاد کند؛
- ۵- حروف اصلی را در کلمات ثلاثی صحیح و سالم تشخیص دهد؛
- ۶- وزن کلمات را در کلمات ثلاثی صحیح و سالم تشخیص دهد؛
- ۷- معنای اسم‌های بر وزن «فَاعِلٍ» و «مَفْعُولٍ» را بگوید.

### فرایند آموزش

متن درس دوم درباره اهمیت قوانین راهنمایی و رانندگی است. سالانه در ایران، چند ده هزار نفر در تصادفات کشته و زخمی می‌شوند. لذا این وظیفه هر درسی است که فراخور حال خود گریزی به این موضوع بزند. در درسی مانند فارسی، یا اجتماعی این موضوع به راحتی قابل بررسی است، ولی در عربی از آنجا که مشکل ساختار و واژگان وجود دارد؛ لذا محدودیت بسیار زیادی وجود دارد؛ با این حال یکی از متون کتاب به این موضوع پرداخته است تا دبیر به بهانه آن به دانش‌آموزان که رانندگان آینده هستند هشدار می‌دهد.

بلافاصله پس از همه درس‌های کتاب عربی نهم درک مطلب آمده است.

به منظور تسهیل آموزش این تمرین به صورت تشخیص درست، یا نادرست طراحی شده است.

همانگی در ترجمه متن درس:

#### قَوَانِينُ الْمُرُورِ . قانون‌های رانندگی

رَجَعَ سَجَادٌ مِنَ الْمَدْرَسَةِ حَزِينًا؛ عِنْدَمَا جَلَسَ عَلَى الْمَائِدَةِ مَعَ أُسْرَتِهِ، بَدَأَ بِالْبُكَاءِ  
فَجَاءَهُ وَ دَهَبَ إِلَى غُرْفَتِهِ؛ دَهَبَ أَبُوهُ إِلَيْهِ وَ تَكَلَّمَ مَعَهُ وَ سَأَلَهُ: «لِمَاذَا مَا أَكَلْتَ الطَّعَامَ؟!»

سجاد با ناراحتی (اندوهگین) از مدرسه برگشت؛ وقتی که همراه خانواده‌اش بر سر سفره غذا نشست، ناگهان شروع به گریه کرد و به اتاقش رفت پدرش نزد او رفت و با او سخن گفت و از او

پرسید: «چرا غذا نخوردی؟!»

أَجَابَ: «هَلْ تَعْرِفُ صَدِيقِي حُسَيْنًا؟» قَالَ: «نَعَمْ، أَعْرِفُهُ؛ هُوَ وَلَدٌ ذَكِيٌّ وَ هَادِيٌّ. مَاذَا حَدَّثَ لَهُ؟» أَجَابَ سَجَادٌ:

پاسخ داد: «آیا دوستم حسین را می‌شناسی؟» گفت: «بله؛ می‌شناسمش؛ او پسری باهوش و آرام است. چه اتفاقی برایش افتاده است؟» سجاد جواب داد:

«هُوَ رَقَدَ فِي الْمُسْتَشْفَى؛ تَصَادَمَ بِالسَّيَّارَةِ؛ حَدَّثَ التَّصَادُمُ أَمَامِي؛ عِنْدَمَا شَاهَدْتُهُ عَلَى الرَّصِيفِ الْمُقَابِلِ؛ نَادَيْتُهُ؛ فَعَبَّرَ الشَّارِعَ فَجْأَةً وَ مَا نَظَرَ إِلَى الْيَسَارِ وَ الْيَمِينِ؛ إِقْتَرَبَتْ سَيَّارَةٌ مِنْهُ وَ صَدَمَتْهُ.»

«او در بیمارستان بستری شده است؛ با ماشین تصادف کرده است؛ تصادف جلوی من اتفاق افتاد؛ وقتی که او را در پیاده‌رو روبه‌رو (مقابل) دیدم؛ او را صدایش زدم؛ از خیابان عبور کرد و به چپ و راست نگاه نکرد؛ اتومبیلی به او نزدیک شد و به او برخورد کرد.»

قَالَ أَبُوهُ: «كَيْفَ حَالُهُ الْآنَ؟» قَالَ سَجَادٌ: «هُوَ بِخَيْرٍ؛ كَانَتْ سُرْعَةُ السَّيَّارَةِ قَلِيلَةً.» پدرش گفت: «حالا حالش چطور است؟» سجاد گفت: «او خوب است؛ سرعت ماشین کم بود.» فِي الْيَوْمِ التَّالِيِ طَلَبَ الْمُدْرَسُ مِنْ تَلَامِيذِهِ كِتَابَةَ قَوَانِينِ الْمُرُورِ فِي صَحِيفَةٍ جِدَارِيَّةٍ. روز بعد، معلم از دانش‌آموزانش خواست قوانین رانندگی را در یک روزنامه دیواری بنویسند. (در روز آینده معلم از دانش‌آموزانش نوشتن قوانین رانندگی را در یک روزنامه دیواری درخواست کرد.) ثُمَّ طَلَبَ مُدِيرُ الْمَدْرَسَةِ مِنْ إِدَارَةِ الْمُرُورِ شَرْحَ إِشَارَاتِ الْمُرُورِ فِي الْمَدْرَسَةِ. سپس مدیر مدرسه از اداره راهنمایی و رانندگی خواست علامت‌های راهنمایی و رانندگی را شرح دهند.

جَاءَ شَرْطِيُّ الْمُرُورِ وَ شَرَحَ الْإِشَارَاتِ الْأَلْوَانِيَّةَ لِلتَّلَامِيذِ وَ أَمَرَهُمْ بِالْعُبُورِ مِنْ مَمَرِ الْمَشَاةِ. پلیس راهنمایی و رانندگی آمد و علامت‌های لازم را برای دانش‌آموزان شرح داد و به آنها دستور داد از گذرگاه پیاده (خط‌کشی عابر پیاده) عبور کنند. (اگر دانش‌آموز تحت اللفظ معنا کرد با ارفاق نمره داده شود. ← به آنها به عبور از گذرگاه پیاده دستور داد.)

كَتَبَ التَّلَامِيذُ صَحِيفَةً جِدَارِيَّةً وَ رَسَمُوا فِيهَا عِلَامَاتِ الْمُرُورِ وَ شَرَحُوا مَعَانِيَهَا. دانش‌آموزان یک روزنامه دیواری نوشتند و در آن علامت‌های راهنمایی و رانندگی را نقاشی (رسم کردند) و معانی آن را شرح دادند.

## «بدانیم»

در بخش «بدانیم» مبحث وزن و حروف اصلی به دانش‌آموز تدریس شده است؛ یک هدف اصلی این بخش، کمک به املاي دانش‌آموز است؛ یکی از راه‌هایی که معلّم ادبیّات فارسی به دانش‌آموزان پیشنهاد می‌کند تا املاي درست کلمات را تشخیص دهند، مراجعه به هم‌خانواده و حروف اصلی کلمه است؛ لذا این مبحث در یاری رساندن به املا بسیار مؤثر است؛ مثلاً برای درست نوشتن کلمه «استحکامات» مراجعه به هم‌خانواده‌های آن، یعنی «مستحکم و محکم و ...» به درست‌نویسی آن کمک می‌کند.

## «فَنّ ترجمه»

در اینجا دانش‌آموز با معنای دو وزن «فَاعِل» و «مَفْعُول» آشنا می‌گردد. این دو وزن در کتاب درسی این گونه تعریف شده است: معمولاً وزن «فَاعِل» به معنای انجام‌دهنده یا دارنده حالت و وزن «مَفْعُول» به معنای «انجام شده» است؛ مثال:

حامد: ستاینده، مَحْمُود: ستوده شده

می‌توان در صورت داشتن وقت مثال‌های بیشتری پرسید؛ مثلاً:

قاتل، مقتول، ضارب، مضروب، شامل، مَشْمُول، حافظ، مَحْفُوظ، واجد، مَوْجُود، والد، مَوْلُود، رافع، مَرْفُوع، حاکم، مَحْكُوم، شاهد، مَشْهُود، عابد، مَعْبُود، حامل، مَحْمُول، وارد، مَوْرُود و ...

## تمرین‌ها

تمرینات این درس نیز مانند درس اوّل کوتاه و ساده‌اند؛ تا دانش‌آموز با حلّ تمرین بتواند خود را بیازماید و آموخته‌هایش را تثبیت کند. سعی شده است حتّی الامکان در تمرینات کلمه جدیدی به کار نرود.

**تمرین اوّل:** هدف تشخیص حروف اصلی و ترجمه کلمات است. فراگیر در بخش «بدانیم» و «فَنّ ترجمه» با مفهوم ریشه و وزن آشنا شده است. اکنون در این تمرین می‌تواند آموخته خویش را ملکه ذهن کند.

**تمرین دوم:** نظر به اهمّیت باب‌های ثلاثی مزید، در این تمرین وزن فعل‌های باب‌های ثلاثی مزید طراحی شده است؛ امّا هدف مطلقاً تدریس ابواب ثلاثی مزید نیست. هدف این است که گوش

و چشم دانش‌آموز به این کلمات عادت کند. افعال ثلاثی مزید حتّی معتل در پایه هفتم و هشتم نیز آمده بود؛ اما هدف آموزش فعل ثلاثی مزید نبود؛ مثال: أَجَابَ، أَحَبَّ، اِشْتَرَى، أَعْطَى، شَاهَدَ و سَافَرَ. در کتاب نهم نیز فعل‌های ثلاثی مزید بسیار به کار رفته است، اما هدف، آموزش فعل ثلاثی مزید نیست. دانش‌آموز باید فعل «شَاهَدَ» را بشناسد و بداند به معنای «دید» است و فعل «يُشَاهِدُ» را نیز بشناسد و بداند به معنای «می‌بیند» است؛ اما اینکه بتواند از «شَاهَدَ» فعل مضارعش، یا از «يُشَاهِدُ» فعل ماضی‌اش، یا از «تُشَاهِدُ» فعل امرش را بسازد به هیچ روی از اهداف آموزشی نیست. هدف تنها دانستن معنای این کلمات است، آن هم در میان جمله، نه مستقلاً. اگر دانش‌آموز بتواند خوب بخواند و خوب بفهمد و خوب ترجمه کند می‌تواند خوب نیز بسازد. ولی ساختن، هدف کتاب نیست هرچند خودبه‌خود ساختن نیز حاصل می‌شود، اما به منظور تسهیل آموزش و ارزشیابی این الزام وجود دارد که از ساختن خودداری کنیم. دانش‌آموزی که علاقه‌مند است به دنبال ساختن می‌رود و دانش‌آموزان دیگر فقط در حد فهم متن عربی می‌آموزند. تخصص در مرحله دانشگاهی است. کسانی که علاقه‌مندند در دانشگاه زبان و ادبیات عرب را به صورت تخصصی خواهند خواند.

**تمرین سوم:** هدف تقویت مهارت خواندن و واژه‌شناسی و ترجمه است. این تمرین توان

دانش‌آموز را در شناخت کاربرد کلمات تقویت می‌کند.

**تمرین چهارم:** هدف بازآموزی مبحث ضمیر است که در عربی هفتم و هشتم به کار رفته

است. دانش‌آموز در اینجا ضمایر پراکنده را به صورت مرتب و یکجا می‌بیند. این تمرین او را در شناخت ضمیر کمک می‌کند.

**تمرین پنجم:** هدف تقویت مهارت واژه‌شناسی است. او باید بتواند جمله را درست بخواند و

درست ترجمه کند و معانی کلمات را نیز بداند تا بتواند تشخیص دهد کدام کلمه را می‌توان در جای خالی گذاشت.

**تمرین ششم:** هدف تقویت مهارت واژه‌شناسی است. باید مراقب بود که در طرح سؤال دو

گزینه درست نباشد. مثلاً در تشخیص کلمه ناهماهنگ در میان این چهار کلمه دو گزینه درست است.

حَمَامَةٌ / عُصْفُورٌ / غُرَابٌ / وَكْدٌ

گزینه ناهماهنگ می‌تواند حمامه باشد چون مؤنث است و از سوی دیگر می‌تواند ولد باشد

که دانش‌آموز آن را به معنای «پسر» می‌گیرد و با خودش می‌گوید بقیه کلمات پرنده‌اند ولی این یکی انسان است.

**تمرین هفتم:** بی‌گمان آشنایی با قرآن و حدیث از اهداف اصلی کتاب عربی است؛ لذا این

تمرین که درباره وزن کلمات است از احادیث گهربار پیامبر اسلام ﷺ و حضرت علی رضی الله عنه برگزیده شده است. دانش آموز در عین حال که دارد روی مبحث وزن کلمات تمرین می کند با سخنانی حکیمانه مواجه می شود که می تواند در رفتار و نگرش او تأثیر عمیقی بگذارد.

**تمرین هشتم:** درک مطلب غایت والای کتاب درسی عربی هفتم، هشتم و نهم است. متن برگزیده درباره خانواده ای در یکی از شهرهای استان سیستان و بلوچستان است. در کتاب درسی عربی سعی شده است نام استان ها و شهرها و مناطق مختلف ایران ذکر شود. (مازندران، خراسان، کرمان، زاهدان، یاسوج، شیراز، اصفهان، تبریز، سنج، ایلام، بیستون، اهواز، شوشتر، پل گاو میشان، خرم آباد، مشهد، همدان، بدره ...)

**تمرین نهم:** هدف جدول کلمات متقاطع که در کتاب درسی به صورت یکی در میان آمده است، تقویت ذخیره واژگانی دانش آموز است. از آنجا که ترجمه از فارسی به عربی از اهداف کتاب نیست؛ لذا ۲۳ پاسخ روبه روی دانش آموز قرار دارد.

رمز جدول «فِي سَعَةِ الْأَخْلَاقِ كُنُوزُ الْأَرْزَاقِ». از حضرت علی رضی الله عنه است.

نام چند وسیله به زبان عربی:

اتومبیل: سَيَّارَةٌ / دوچرخه: دَرَّاجَةٌ هَوَائِيَّةٌ / سه چرخه: دَرَّاجَةٌ ثَلَاثِيَّةٌ الْعَجَلَاتِ / موتورسیکلت: دَرَّاجَةٌ نَارِيَّةٌ (در عربستان: دَبَّاب) / جرثقیل: مِرْفَاعٌ / اتوبوس: حَافِلَةٌ (در عربستان: باص، در عراق: مُنْشِئَةٌ) / هواپیما: طَائِرَةٌ / موشک: صَارُوخٌ / قایق: زَوْزَقٌ / قارب / کشتی: سَفِينَةٌ، بَاخِرَةٌ / مینی بوس: حَافِلَةٌ صَغِيرَةٌ / کامیون: شَاحِنَةٌ

**نور السَّمَاءِ:** هدف پیوند دادن درس عربی با فرهنگ اسلامی است. دانش آموز در اینجا آیاتی از کلام الله مجید تلاوت می کند. گزینش آیاتی که در راستای ساختار کتاب درسی باشد بسیار دشوار است. گزینش حدیث، ساده است. ولی در مورد آیات قرآن وضعیّت فرق دارد. احادیث کوتاه بسیاری وجود دارند، ولی آیات کوتاهی که از لحاظ ساختاری و واژگانی در حدّ کتاب درسی باشند، به فراوانی احادیث نیستند؛ لذا تأکید می گردد در ارزشیابی ها آیات تغییر داده نشوند.

## ارزشیابی

در تشخیص وزن و حروف اصلی باید با روش کتاب و از مثال هایی شبیه به کتاب درسی استفاده کرد؛ مؤسّسات خصوصی و انتشاراتی ها که کتاب های کار را وارد مدارس می کنند سؤالاتی طرح می کنند که هیچ نفعی از آن حاصل نمی گردد؛



باید توجه داشته باشیم که همان‌گونه که در بارم‌بندی نیز آمده است در طرح سؤال از وزن و حروف اصلی فقط باید از کلمات صحیح و سالم و آشنا استفاده کرد و چنین کلماتی نیز طرح نشود: ملائکه و مایوس. حتی کلماتی مانند استراق و استماع که دانش‌آموز به جای افتعال، استفعال می‌نویسد و نیز کلمه انتظار که احتمال دارد به جای افتعال، انفعال پاسخ دهد؛ کلماتی مانند انتقام نیز در امتحان نباید طرح شود؛ زیرا حروف اصلی «ن ق م» برای دانش‌آموز ناآشناست.

چنین شیوه‌ای در امتحان فقط برای ایجاد انزجار از درس عربی مؤثر است و متأسفانه در برخی آزمون‌های مؤسسات خصوصی، برخی آزمون‌های غیر استاندارد طرح می‌شود. هرکس چنین سؤالاتی طرح می‌کند دانسته یا نادانسته به فرایند آموزش درس عربی در مدارس ضربه می‌زند.

### وسایل کمک آموزشی

کتاب گويا، نرم افزار آموزشی، فيلم، اینفوگراف، پاورپوینت، کلیپ آموزشی، اسلاید، پوستر، فلش‌کارت

افزون بر وسایل کمک آموزشی یاد شده می‌توان از زبان فارسی نیز کمک گرفت. در کتاب‌های فارسی سال‌های گذشته موضوع هم‌خانواده در کتاب درسی، بسیار مطرح شده است و دانش‌آموزان به اندازه کافی با این موضوع آشنا هستند. می‌توان برای فهم بهتر این موضوع ارتباطی میان دو کتاب عربی و فارسی برقرار کرد.

### هماهنگی در ترجمه آیات بخش «نور السماء»:

۱- ﴿... مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۖ الْبَقَرَةُ: ۶۲﴾ کسی که به خدا و روز رستاخیز ایمان دارد و کار شایسته می‌کند، پاداش آنها نزد پروردگارشان هست.

۲- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ۖ الصَّف: ۲﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا می‌گویید آنچه را انجام نمی‌دهید؟!

۳- ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ ۖ الْأَحْزَاب: ۲۱﴾

قطعاً در فرستاده خدا برای شما الگوی خوبی هست. (همانا در رسول خدا برای شما الگوی

نیکویی وجود دارد.)

۴- ﴿إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ ۖ الْبَقَرَةُ: ۱۸۶﴾

هرگاه بندگانم از تو درباره من بپرسند، {بدانند که قطعاً} من به آنان نزدیکم.

۵- ﴿يَرْقِعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ﴾ الْمُجَادَلَةُ: ۱۱

خدا کسانی از شما را که ایمان آورده اند بالا می برد.

### دانش افزایی برای دبير (نه برای دانش آموز)

۱- آمَنَ بر وزن أَفْعَلَ است. (آمَنَ، يُؤْمِنُ، إِيْمَانٌ) اصلِ آن «أَمَّنَ» بوده که ادغام شده

است.<sup>۱</sup>

۲- أُسْوَةٌ و قُدْوَةٌ مترادف هستند. جمع آن أُسَى و إِسَى است. تَأَسَى وِ اِئْتَسَى یعنی اِئْتَدَى.<sup>۲</sup>

۳- تَكَلَّمَ یعنی صحبت کرد. در محاورات عربستان سعودی معمولاً كَلَّمَ به کار می رود.<sup>۳</sup>

۴- رَقَدَ و نَامَ به معنای «خوابید» هستند. «مَرَقَدَ» از همین ریشه و به معنای خوابگاه یا

آرامگاه است.<sup>۴</sup>

۵- ماضی و مضارع مصدر شَقَاوَةٌ، شَقِيَّ يَشْقَى است که با سَعَدَ متضاد است و در فارسی

این کلمه شِقَاوَت تلفظ می شود.

۶- فَجَاءَهُ و فُجِئَتْهُمُ هم معنا هستند. فاجأه یعنی غافلگیرش کرد.<sup>۵</sup>

۷- مضارع فَقَدَ به دو صورت يَفْقِدُ و يَفْقُدُ آمده ولی در المنجد فقط يَفْقِدُ ذکر شده

است. در فارسی مصدر فِقْدَانِ بیشتر به کار رفته است. در عربی فِقْدَانِ نیز گاهی به کار رفته است.<sup>۶</sup>

۱- آمَنَ بِهِ وَتَقَى بِهِ وَصَدَقَهُ آمَنَتُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ / آمَنَ لَهُ: اِنْقَادٌ لَهُ وَ اَطَاعَةٌ / آمَنَ بِاللَّهِ / آمَنَ لِلَّهِ: اَسْلَمَ لَهُ وَ اِنْقَادَ

۲- أُسْوَةٌ: (اسم) الجمع: أُسَى، أُسْوَةٌ / إِسْوَةٌ: قُدْوَةٌ، مِثَالٌ صَالِحٌ لِلتَّشْبِيهِ بِهِ / أُسْوَةٌ بِهِ: عَلِيٌّ مِثَالُهُ، عَلِيٌّ مَنَوَالُهُ، عَلِيٌّ غَرَارُهُ

ما يُتَعَزَّى بِهِ: صَارَتْ مَصِيبَتُهُ أُسْوَةً لغيره (أُسْوَةٌ: أَنْجِبُهُ فَرْدٌ غَمَّكَيْنِ بِأَنْ تَسْلَى خَاطِرَ مِي يَابِد).

كَانَتْ الزَّوْجَةُ وَ الْأَوْلَادُ أُسْوَةً لَهُ بَعْدَ وَفَاةِ أُمِّهِ.

۳- مِثَالاً تَكَلَّمَ دَرِ سَعُودِي كَلَّمَ وَ دَرِ عِرَاقِ اِحْجِي (اِحْكِ) كُفْتَهُ مِي شُود.

۴- رَقَدَ: (فعل) رَقَدَ / رَقَدَ عَلَيَّ / رَقَدَ عَن يَرْقُدُ، رَقَدًا وَ رُقَادًا وَ رُقُودًا وَ رُقُودًا وَ اِسْمُ فَاعِلِهِ رَاقِدٌ وَ اِسْمُ مَفْعُولِهِ مَرَقُودٌ عَلَيْهِ

رَقَدَ الرَّجُلُ: نَامَ لَيْلاً أَوْ نَهَاراً، رَقَدَ عَلَيَّ ظَهْرِي: اسْتَلَقِي، رَقَدَتِ السُّوقُ: كَسَدَتْ، رَقَدَ عَن أُمُورِهِ: غَفَلَ عَنِهَا

رَقَدَ عَن ضَيْفِهِ: لَمْ يَتَعَهَّدْهُ، جِئْتُ رَاقِداً: مَتَوَقِّفاً عَنِ الْحَرَكَةِ، طَرِيحَةً، رَقَدَ رَقْدَتَهُ الْأَخِيرَةَ: مَاتَ، رَقَدَ الشَّيْءُ: سَكَنَ وَ هَبَطَ

رَقَدَ الْعَرُوقُ وَ الثُّغْلُ: إِذَا نَحَرَ إِلَى اسْفَلٍ وَ سَكَنَ، رَقَدَ الطَّيْرُ عَلَيَّ بِيضَهُ: حَضَنَهُ

۵- فَجَاءَهُ: [ف ج أ]. (مصدر فجأ): - أْتَاهُ فَجَاءَهُ: - بَعَثَهُ، أَيَّ مَا يُفَاجِئُ الْإِنْسَانَ: - شَقَّ السُّكُونُ فَجَاءَهُ عَوَاءٌ ذَنْبٌ.

مَوْتُ الْفُجَاءَةِ: مَا يَأْخُذُ الْإِنْسَانَ بَغْتَةً؛ وَ هُوَ مَوْتُ السَّكِنَةِ.

۶- فَقَدَ: (فعل) فَقَدَ يَفْقِدُ، فَقَدًا وَ فِقْدَانًا وَ فُقْدَانًا، وَ اِسْمُ فَاعِلِهِ فَاقِدٌ وَ اِسْمُ مَفْعُولِهِ مَفْقُودٌ وَ فَقِيدٌ

فَقَدَ الشَّيْءَ: ضَاعَ مِنْهُ وَ غَابَ عَنْهُ، فَقَدَ كُلَّ مَالِهِ: خَسِرَهُ، فَقَدَ حَيَاتَهُ: قَتَلَ، فَضَى نَجَبَهُ

۸- فَم، یعنی دهان و جمع آن أفواه است به اعتبار اینکه اصل فَم فَوه می‌باشد. مثنای آن فَمَان، فَمَوَان و فَمِيَان به سه شکل به کار رفته است. اما شکل فَمَانِ بهتر است. اسم منسوب آن فَمِي است که فَمَوِي نیز کاربرد دارد. در ترکیب با کلمات معانی دیگری دارد؛ مثال:

فَمُ الْمَعِدَةِ = باب المعده / فَمُ الرَّجَاجَةِ = سر شیشه / فَمُ الْقَيْنَةِ = سر بطری / فَمُ السَّيْفِ = لبه شمشیر.<sup>۱</sup>

۹- قُبِح زشتی در گفتار، کردار، پندار و چهره است. قَبِيح نیز زشت است که در برابر جَمِيل قرار دارد. متضاد قُبِح حُسْن یا جَمَال است.<sup>۲</sup>

۱۰- رَصِيف یعنی «پیاده‌رو» و به معنای «استوار» نیز به کار رفته است.

عَمَلٌ رَصِيفٌ: کار استوار جَوَابٌ رَصِيفٌ: پاسخ استوار.<sup>۳</sup>

۱۱- لَقَدَ ترکیب لَ + قَدَ است و بر سر فعل ماضی برای تأکید در معنا به کار می‌رود.

۱۲- لِمَ ترکیب (لِ + ما) است که حرف الف کوتاه شده است. هنگامی که حرف جر بر سر می‌آید، الف آن حذف می‌شود. مثال‌های دیگر: عَمَّ (عَنْ + ما)، مِمَّ (مِنْ + ما)، بِمَ (بِ + ما)، فِيمَ (فِي + ما)، اِلَما (إِلَى + ما)، عَلَما (عَلَى + ما)

۱۳- «ما» معانی و کاربردهای زیادی دارد؛ مثال:

→ فَقَدْ مَا كَانَ يَتَمَتَّعُ بِهِ مِنْ احْتِرَامٍ وَ حُظُوةٍ عِنْدَ النَّاسِ: صَغُرَ فِي عِيُونِهِمْ، ضَيَعَ، فَقَدْ صَوَابَهُ: جُنَّ فَقَدْ عَقَلَهُ، فَقَدْ صَبْرَهُ: عَيْلَ صَبْرَهُ وَ لَمْ يَبْدَأْ قَادِرًا عَلَى التَّحَمُّلِ، فَقَدْ صَدِيقُهُ: ضَيَعَهُ، أَوْ مَاتَ، فَقَدْ أَعْصَابَهُ: ثَارَ وَ غَضِبَ، لَمْ يَتَحَكَّمْ فِي نَفْسِهِ، فَقَدْ الْأَمَلُ: فَنَطَأَ، يَبْسُ فَقَدْ بَصْرَهُ: أَصِيبَ بِالْعَمَى، فَقَدْ ذَاكَرْتَهُ: نَسِيَ مَا يَعْرِفُهُ عَنِ نَفْسِهِ وَ غَيْرِهِ، فَقَدْ رُشِدَهُ / فَقَدْ صَوَابَهُ / فَقَدْ عَقَلَهُ: جُنَّ، تَصَرَّفَ بِطَيْشٍ وَ تَسَرَّعَ، فَقَدْ شَعُورَهُ: غَشِيَ عَلَيْهِ

۱- فَم: (اسم) الجمع: أفهام و أفواه، مثني فَمَان و فَمَوَان، فَم، فَمُ

فَم الشَّخْصِ أَوْ الْحَيَوَانِ: فُوْهُ، فَتَحَةٌ ظَاهِرَةٌ فِي وَجْهِهِ تَحْتَوِي عَلَى جِهَازِي الْمَضْغِ وَ النَّطْقِ  
أَلْقَى نَفْسَهُ فِي فَمِ الذُّبَابِ: عَرَضَ نَفْسَهُ لِلْخَطَرِ دُونَ تَرَوُّ وَ لَا بَصِيرَةٍ

فَم الشَّيْءِ: فَتَحَتَهُ، أَوَّلُهُ، فَم الْوَادِي / الْقَرْبَةِ / التَّرْعَةِ، الْفَمَانِ: الْفَمُ وَ الْأَنْفُ، فَم الْقَارُورَةِ: رَأْسُهَا

۲- قُبِح: (اسم) الجمع: مَقَابِحُ، مَصْدَرُ قَبِيْحٍ، الْقُبِيْحُ: ضِدُّ الْحُسْنِ وَ يَكُونُ فِي الْقَوْلِ وَ الْفِعْلِ وَ الصُّورَةِ  
قُبِيْحًا لَهُ: دُعَاءٌ عَلَيْهِ بِالْإِبْعَادِ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ

۳- رَصِيف: (اسم) الجمع: أَرْصِيفَةٌ وَ رُصْفٌ وَ رُصْفَانٌ

الرُّصِيفُ: الرُّصَيْنِ، عَمَلٌ رَصِيفٌ: مُحْكَمٌ، رَجُلٌ رَصِيفٌ: مُحْكَمُ الْعَمَلِ، جَوَابٌ رَصِيفٌ: مُتَّقَنٌ لَا يَرُدُّ

الرُّصِيفُ: بِمَعْنَى الْمُرْصُوفِ، وَ يُطْلَقُ عَلَى حَاجِزٍ مِنَ الْبِنَاءِ يَمْتَدُّ عَلَى جَانِبِي الطَّرِيقِ

الرُّصِيفُ: مَكَانٌ مُرْتَفِعٌ قَلِيلًا عَلَى جَانِبِي الطَّرِيقِ لِلْمُشَاةِ، رَصِيفٌ وَسْطِيٌّ: رَصِيفٌ مَزْرُوعٌ بِالْأَشْجَارِ يَفْصَلُ شَارِعَيْنِ مُتَعَاكِسَيْنِ

فِي طَرِيقِ سَرِيحٍ، رَصِيفُ الْمِيْنَاءِ: رَصِيفٌ يَمْتَدُّ مِنَ الشَّاطِئِ إِلَى الْمَاءِ، تَدْعَمُهُ أَعْمَدَةٌ أَوْ دَعَامَاتٌ، يُسْتَعْمَدُ لِتَأْمِينِ وَ حِمَايَةِ وَ تَوْفِيرِ مَمْرٍ

دُخُولِ لِلسُّفْنِ وَ الْقَوَارِبِ، رَصِيفُ الْقَطَارِ: مَحَطَّةٌ وَقُوفٌ لِلْقَطَارِ ذَاتُ سِيَاحٍ حَجْرِيٍّ

﴿مَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ﴾: به او شعر نیاموختیم  
 ﴿مَا يَنْبَغِي لَهُ﴾: شایسته او نیست.  
 ﴿مَا هَذَا بَشَرًا﴾ این آدمیزاد نیست.  
 ﴿وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا﴾ مریم ۳۱: در اینجا ما دُمْتُ؛ یعنی مدت زندگی‌ام.  
 ما هذا؟ این چیست؟  
 ﴿مَا عِنْدَكُمْ يَنْقُذُ و ما عنداللهِ باقٍ﴾ آنچه نزد شماست تمام می‌شود و آنچه نزد خداست ماندگار است.

﴿إِنْ تَبَدَّوْا الصَّدَقَاتِ فَنِعْمًا هِيَ﴾ یعنی فَنِعْمَ الشَّيْءُ هِيَ.  
 عَسَلْتُهُ غَسَلًا نِعْمًا و دَقَّقْتُهُ دَقًّا نِعْمًا؛ یعنی نِعَمَ الْغُسْلِ و نِعَمَ الدَّقِّ.  
 مَرَزْتُ بِمَا مُعْجِبٌ لَكَ؛ یعنی بِشَيْءٍ مُعْجِبٍ لَكَ.  
 ما أَجْمَلُ الرَّبِّيعِ!؛ بهار چه زیباست!  
 إِنَّمَا أَخُوكَ ذُو هِمَّةٍ. در اینجا حرف كَافَةٌ ما اجازه نداده است که إِنَّ بتواند كلمه أَخ را منصوب کند. إِنَّ أَخَاكَ ذُو هِمَّةٍ.

مادامت السماوات و الأرض؛ یعنی چندان که آسمان‌ها و زمین بپایند. (از اقسام مای زائده مای تأکید به معنای «چندان که» است).

﴿القارعة ما القارعة﴾؛ یعنی قیامت و چه قیامت! در اینجا ما برای تفخیم به کار رفته است.  
 ۱۴- مُشَاة جمع ماشی به معنای پیاده است. مانند قُضَاة که جمع قاضی است. الْمَشِي به معنای پیاده‌روی و راه‌رفتن است. (مَشَى، يَمْشِي، مَشِيًّا و تَمْشَاءُ) در سفرهای زیارتی فعل امر «إمْشِ» توسط مأموران بسیار به کار می‌رود که موجب ناراحتی برخی زائران می‌گردد و تصوّر می‌کنند معنای بدی دارد؛ زیرا در گذشته حشره‌کشی به نام «إمشی» وجود داشت.

۱۵- نَادَى، یعنی صدا زد. (نَادَى، يُنَادِي، مُنَادَاة و نِدَاء) نَادَاة: او را صدا زد. فعل امر = نَادِ مانند نَادِ عَلِيًّا مظهر العجائب. در گویش محلی عراقی «صَيْحُ» معادل «نَادِ» است.

۱۶- هَادِي، یعنی آرام. مانند الْمُحِيْطُ الْهَادِي: اقیانوس آرام. حروف اصلی هَادِي، (ه د ء) است و حروف اصلی هَادِي: راهنما (ه د ي) است. هُدُو: آرامش و يَهْدُوهُ: به آرامی از هم‌پن ریشه است.

اهداف رفتاری: دانش آموز در پایان این درس باید بتواند:

- ۱- معنای ۲۹ کلمه جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
- ۲- متن درس را درست بخواند، بفهمد و ترجمه کند؛
- ۳- پیام متن را درک کند؛<sup>۱</sup>
- ۴- به هنگام ضرورت به حکمت‌های خوانده شده استشهاد کند.
- ۵- فعل امر معادل اوّل شخص مفرد (لِلْمُخَاطَبِ و لِلْمُخَاطَبَةِ) را بشناسد و آن را در جمله با توجه به قرائن درست ترجمه کند؛
- ۶- فعل امر مفرد مذکر و مفرد مؤنث را بشناسد و فرق آنها را بداند.

### فرایند آموزش

متن درس ماجرای دو برادر است که با هم دشمنی پیدا می‌کنند و دشمنی میان خانواده‌هایشان نیز گسترش می‌یابد. تا جایی که برادر کوچک‌تر مزرعه را با نهري به دو نصف تقسیم می‌کند. در این هنگام نجاری از راه می‌رسد و از برادر بزرگ‌تر می‌پرسد آیا کاری دارد که برادر بزرگ‌تر درخواست می‌کند با چوب‌های انبار خانه‌اش دیواری بسازد تا دیگر چشمش به چشم برادرش نیفتد، اما نجار خیرخواه که متوجه می‌شود به جای دیوار پلی می‌سازد، برادر بزرگ که از بازار بر می‌گردد با تعجب به پل نگاه می‌کند و نجار را مؤاخذه می‌کند که چرا به جای دیوار پل ساخته است؟! برادر کوچک‌تر از راه می‌رسد و پل را می‌بیند و شرمنده می‌شود؛ او می‌پندارد که برادر بزرگ‌تر دستور ساختن پل را داده است تا پیمان دوستی دو برادر قطع نشود و گریه‌کنان می‌آید برادرش را می‌بوسد و معذرت‌خواهی می‌کند، برادر بزرگ‌تر با دیدن این صحنه متوجه ترفند نجار می‌شود. نجار پل دوستی ساخته بود. از او می‌خواهد که مهمان او باشد که نجار می‌گوید باید بروم و چند پل دوستی دیگر بسازم. معلوم می‌شود که نجار فردی شایسته و خیرخواه بوده است.

هماهنگی در ترجمه متن درس:

جَسُرُ الصَّدَاقَةِ: پِلِ دوستی

كَانَ حَمِيدٌ وَ سَعِيدٌ أَحْوَيْنِ فِي مَرْزَعَةٍ قَمَحٍ؛ فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ وَقَعَتْ عَدَاوَةٌ بَيْنَهُمَا وَ

۱- پیام درس دربارهٔ صلۀ رحم، احترام به همسایه و تلاش برای از بین بردن دشمنی بین همسایگان و خویشان است.

غَضِبَ الْأَخُ الْأَكْبَرُ «حَمِيدٌ» عَلَى الْأَخِ الْأَصْغَرِ «سَعِيدٍ» وَ قَالَ لَهُ: «أَخْرُجْ مِنْ مَزْرَعَتِي.»  
حمید و سعید دو برادر در یک مزرعه گندم (در مزرعه گندمی) بودند؛ در یکی از روزها  
میانشان دشمنی افتاد و برادر بزرگ‌تر حمید بر برادر کوچک‌تر خشم گرفت و به او گفت: «از مزرعه‌ام  
خارج شو.»

وَ قَالَتْ زَوْجَةُ حَمِيدٍ لِرِزْوَجَةِ سَعِيدٍ: «أَخْرُجِي مِنْ بَيْتِنَا.»  
و همسر حمید به همسر سعید گفت: «از خانه‌مان خارج شو.»  
فِي صَبَاحِ أَحَدِ الْأَيَّامِ طَرَقَ رَجُلٌ بَابَ بَيْتِ حَمِيدٍ؛ عِنْدَمَا فَتَحَ حَمِيدٌ بَابَ الْبَيْتِ؛ شَاهَدَ  
نَجَّارًا؛ فَسَأَلَهُ: «مَاذَا تَطْلُبُ مِنِّي؟» در صبح یکی از روزها مردی در خانه حمید را زد؛ وقتی که  
در خانه را باز کرد؛ نجاری را دید و از او پرسید: «از من چه می‌خواهی؟!»

أَجَابَ النَّجَّارُ: «أَبْحَثُ عَنْ عَمَلٍ؛ هَلْ عِنْدَكَ عَمَلٌ؟»  
نجار جواب داد: «دنبال کاری می‌گردم (در جست‌وجوی کاری هستم)؛ آیا کاری داری؟»  
فَقَالَ حَمِيدٌ: «بِالتَّأَكِيدِ؛ عِنْدِي مُشْكِلَةٌ وَ حَلُّهَا بِيَدِكَ.»  
حمید گفت: «البته؛ مشکلی دارم و حل آن در دست توست.»

قَالَ النَّجَّارُ: «مَا هِيَ مُشْكِلَتُكَ؟» أَجَابَ حَمِيدٌ: «ذَلِكَ بَيْتٌ جَارِي؛ هُوَ أَخِي وَ عَدُوِّي؛ أَنْظُرْ  
إِلَى ذَلِكَ النَّهْرِ؛ هُوَ قَسَمَ الْمَزْرَعَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ بِذَلِكَ النَّهْرِ؛ إِنَّهُ حَفَرَ النَّهْرَ لِأَنَّهُ غَضَبَانُ عَلَيَّ.  
عِنْدِي أَخْشَابٌ كَثِيرَةٌ فِي الْمَخْرَزِنِ؛ رَجَاءً، إِصْنَعُ جِدَارًا حَسْبِيًّا بَيْنَنَا.»

نجار گفت: «مشکلت چیست؟» حمید جواب داد: «آن خانه همسایه‌ام است؛ او برادرم و  
دشمنم است؛ به آن رودخانه نگاه کن؛ او مزرعه را با آن نهر (جوی) به دو نیم تقسیم کرده است؛ او  
نهر را کنده است (حفر کرده)؛ زیرا از من عصبانی است (بر من خشمگین است). چوب‌های بسیاری  
در انبار دارم؛ لطفاً دیواری چوبی میان ما بساز.»

ثُمَّ قَالَ لِلنَّجَّارِ: «أَنَا أَذْهَبُ إِلَى السُّوقِ وَ أَرْجِعُ مَسَاءً.» عِنْدَمَا رَجَعَ حَمِيدٌ إِلَى مَزْرَعَتِهِ مَسَاءً  
تَعَجَّبَ كَثِيرًا؛ النَّجَّارُ مَا صَنَعَ جِدَارًا؛ بَلْ صَنَعَ جِسْرًا عَلَى النَّهْرِ؛ فَغَضِبَ حَمِيدٌ وَ قَالَ لِلنَّجَّارِ:  
«مَاذَا فَعَلْتَ؟! لِمَ صَنَعْتَ جِسْرًا؟!» سپس به نجار گفت: «من به بازار می‌روم و بعد از ظهر (اول  
شب) برمی‌گردم.» هنگامی که حمید بعد از ظهر به مزرعه‌اش برگشت خیلی تعجب کرد؛ نجار دیواری  
نساخت؛ بلکه پلی را روی نهر ساخت، پس حمید خشمگین شد و به نجار گفت: «چه کردی؟! (چه کار  
کرده‌ای؟! چرا پل ساختی؟! (ساخته‌ای؟!))»

فِي هَذَا الْوَقْتِ وَصَلَ سَعِيدٌ وَ شَاهَدَ جِسْرًا فَحَسِبَ أَنَّ حَمِيدًا أَمَرَ بِصُنْعِ الْجِسْرِ؛ فَعَبَّرَ الْجِسْرَ وَ

بَدَأَ بِالْبُكَاءِ وَ قَبَلَ أَخَاهُ وَ اعْتَدَرَ؛ در این وقت سعید رسید و پلی را دید و گمان کرد که حمید به ساختن پل دستور داده است (دانش آموز می تواند این جمله به چند شکل دیگر نیز ترجمه کند.) پس، از پل عبور کرد و شروع به گریستن کرد و برادرش را بوسید و عذرخواست:

دَهَبَ حَمِيدٌ إِلَى النَّجَّارِ وَ شَكَرَهُ وَ قَالَ: «أَنْتَ صَيْفِي لِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ.»

حمید به سوی نجار رفت و از او تشکر کرد و گفت: «تو برای سه روز مهمان من هستی.»

اعْتَدَرَ النَّجَّارُ وَ قَالَ: «جُسُورٌ كَثِيرَةٌ بَاقِيَةٌ عَلَيَّ الذَّهَابُ لِصُنْعِهَا.»

نجار عذرخواهی کرد و گفت: «پل های زیادی مانده است؛ باید برای ساختن آنها بروم.»

(شاید دانش آموز تحت اللفظ ترجمه کند. ← «رفتن برای ساختن آنها بر من لازم است.» در این

صورت نمرة کامل می گیرد؛ اما او را راهنمایی می کنیم که روان معنا کند.)

إِثْنَانِ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمَا: قَاطِعُ الرَّحِمِ وَ جَارُ السَّوَاءِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

دو تن خداوند به آنها نگاه نمی کند: بُرنده پیوند خویشان و همسایه بد.

## آموزش تصویری قواعد درس

دانش آموز جمله های زیر هر تصویر را می خواند و با توجه به آن و زیر نظر معلم ترجمه می کند؛ معلم قاعده درس را در اینجا با استفاده از کادر رنگی (کلیدواژه تصویری) توضیح می دهد و دانش آموزان را به حروف رنگی در فعل های اِفْعَلْ و اِفْعَلِي ارجاع می دهد.

از همکاران درخواست می گردد دو کلمه اِفْعَلْ و اِفْعَلِي را به صورت اِفْعَلْ و اِفْعَلِي؛ یعنی با همزه قطع ننویسند؛ زیرا غلط است و همزه این دو فعل همزه وصل است. رعایت این امر برای دانش آموز لازم نیست؛ زیرا جزء آموزش نبوده است.

روش اکتشافی به فهم ساختار کمک بسیاری می کند. معلم از دانش آموزان می خواهد آنچه را از آموزش تصویری قواعد دریافته اند توضیح دهد. سپس خودش آن را کامل می کند.

## بدانیم

معادل عربی فعل امر اوّل شخص مفرد در این درس در کنار فعل مضارع آموزش داده شده است. ساخت فعل امر، هدف کتاب درسی نیست؛ هدف این است که دانش آموز فعل امر مفرد مذکر و مفرد مؤنث را در جمله تشخیص و ترجمه کند.

تبدیل صیغه و ساخت فعل در سایهٔ روان‌خوانی و ترجمه خودبه‌خود حاصل می‌گردد. اما در هر سه کتاب درسی عربی متوسطهٔ اول جزء اهداف آموزشی نیست. نه تنها در این درس، بلکه در همهٔ دروس کتاب در بخش بدانیم ارجاع به تصاویر برای فهم بهتر جملات شایسته و بایسته است. چون تصویر به فهم ساختار جملات کمک می‌کند.

### تمرین‌ها

**تمرین اول:** هدف تقویت درک مطلب است. از آنجا که یکی از مهارت‌های چهارگانهٔ زبانی سخن گفتن است؛ این تمرین در این زمینه به دانش‌آموز کمک می‌کند. در این قسمت نباید سخت‌گیری کرد؛ زیرا ساختن جمله از اهداف اصلی کتاب نیست. بنابراین، سؤال به صورت تعیین درست و نادرست است. دانش‌آموز به سادگی به این تمرین پاسخ می‌دهد. برای اینکه او از آموختن لذت ببرد، سؤال ساده طراحی شده است.

**تمرین دوم:** هدف از این تمرین، ترجمهٔ جمله‌هایی است که معادل ساخت اول شخص مفرد از فعل امر دارد. تصویر، علاوه بر زیباسازی کتاب موجب تلطیف و تسهیل آموزش می‌شود.

**تمرین سوم:** همان هدف تمرین دوم در اینجا نیز به شکلی جدید تکرار شده، با این فرق که توانایی تشخیص فعل امر در جمله نیز مدنظر است. یک هدف اصلی آموزش عربی، فهم بهتر قرآن است؛ لذا این تمرین از آیات کلام الله مجید برگزیده شده است. حرف «و» عمداً در آغاز آیهٔ دوم و چهارم نیامده و به جای آن نقطه‌چین آمده است تا حرکت همزهٔ فعل امر آشکار شود.

**تمرین چهارم:** هدف تکرار آموخته‌های درس اول عربی هفتم است. آنچه را دانش‌آموز دو سال پیش آموخت، برای اینکه در ذهنش تثبیت گردد، مجدداً تکرار می‌کنیم.

**تمرین پنجم:** هدف تکرار و تمرین بر فعل امر در جمله است. دانش‌آموز جملهٔ دارای فعل امر را می‌خواند و به فارسی ترجمه می‌کند. در امتحانات نیز همین شیوه باید رعایت گردد. با این شیوه، آموزش ساده می‌گردد و ترس و نگرانی فراگیر در امتحان کاسته می‌شود.

**تمرین ششم:** هدف تقویت ذخیرهٔ واژگانی دانش‌آموز است. به‌منظور آسان‌سازی، تمرین به صورت دو گزینه‌ای طراحی شده است.

تمرین برای یادگیری است و با مسابقه فرق دارد؛ لذا ضرورتی ندارد که سؤال چهار گزینه‌ای طراحی شود.

**تمرین هفتم:** در آموزش هر زبانی تمرین مترادف و متضاد یکی از شیوه‌های اصلی کاربرد



واژگان است. دانش‌آموز با این تمرین ارتباط کلمات را با هم در می‌یابد.

## گَنْزُ الْحِكْمَةِ

هدف پیوند دادن درس عربی با فرهنگ اسلامی است. در اینجا دانش‌آموز سخنانی حکیمانه از پیامبر اسلام ﷺ و حضرت علی عَلِيٌّ می‌خواند که دارای فعل‌های گوناگون ماضی، مضارع و امر هستند.

## فَعَالِيَت

دانش‌آموز سومین سالی است که درس عربی می‌خواند. پژوهش خواسته شده در حدّ توانایی اوست. از دانش‌آموز خواسته شده است تا یک متن کوتاه پیدا کند که در آن فعل امر به کار رفته باشد. این کار موجب می‌شود مهارت او در شناخت فعل امر تقویت شود.

## اَرزِشِیَابِی

هرچه در دروس قبل دربارهٔ شیوه‌های ارزشیابی نوشته شد در این درس نیز مصداق دارد. علاوه بر آن از آنجا که متن درس گفت‌وگو میان چهار نفر است؛ لذا چهار نفر همراه با راوی متن می‌توانند درس را به صورت نمایشی در کلاس اجرا کنند. این فعالیت می‌تواند بخشی از نمرهٔ مستمر دانش‌آموزان را تشکیل دهد. انجام این فعالیت افزون بر زیباسازی، شادابی و تحرک در کلاس موجب تقویت رفتار بهینهٔ اجتماعی در دانش‌آموزان می‌گردد. دانش‌آموزان به داستان علاقه‌مندند؛ این کار موجب علاقه‌مندی بیشتر می‌گردد. انجام این کار مستلزم داشتن فرصت کافی است.

## وَسَائِلُ كَمَكِ اَمُوْشِی

در این درس نیز همچنان استفاده از کتاب گویا، نرم افزار، پاورپوینت، اینفوگراف، کلیپ آموزشی، پوستر و اسلاید توصیه می‌شود.

**هماهنگی در ترجمهٔ آیات بخش «گَنْزُ الْحِكْمَةِ»:**

۱- اِعْلَمُ اَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ. رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ

بدان که پیروزی (یاری) همراه بُردباری (صبر) است.

۲- لَا يَشْكُرُ اللَّهُ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

کسی که از مردم سپاسگزاری نمی‌کند از خدا هم سپاسگزاری نمی‌کند.

۳- أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِحْوَانِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

ناتوان‌ترین (عاجزترین) مردم کسی است که از به‌دست آوردن دوستان (برادران، یاران) ناتوان

است.

۴- إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ؛ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

هرگاه بر دشمنت چیره شدی (قادر شدی)؛ بخشایش را شکرانه چیرگی (قدرت یافتن) بر او قرار بده.

۵- أَلْعِلْمُ وَالْأَمَالُ يَسْتُرَانِ كُلَّ عَيْبٍ وَ الْجَهْلُ وَالْفَقْرُ يَكْشِفَانِ كُلَّ عَيْبٍ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

دانش و دارایی (علم و ثروت) هر عیبی را می‌پوشانند و نادانی و نداری (جهل و فقر) هر عیبی

را آشکار می‌کنند.

### دانش‌افزایی برای دبیر (نه دانش‌آموز)

۱- «آخر» یعنی «پایان» و با «آخر» فرق دارد. «آخر» بر وزن «أفعل» در اصل «أآخر» بوده

و مؤنث آن «أخرى» به معنای «دیگر» است. اما آخر در اصل «ءآخر» و مؤنث آن آخره است که گاهی به معنای الدارُ الآخرة به کار می‌رود.<sup>۲</sup>

۲- اجلس و اقعُد هر دو به معنای بنشین است. جلس و قعد هم معنا هستند. اما برخی میان

آنها فرق قائل‌اند.<sup>۳</sup>

۱- حرف «ل» در «اجعل» در جمله «... اجعل العفو...» برای راحتی تلفظ، علامت کسره گرفته است؛ زیرا تلفظ دو حرف

ساکن در کنار هم در زبان عربی دشوار است. (اجعل العفو)

۲- آخر: (اسم) الآخر: مقابل الأول، الآخر من أسماء الله تعالى: الباقي بعد فناء خلقه

وَصَلَ فِي آخِرِ الْأَمْرِ: فِي نَهَايَةِ الْأَمْرِ، قَرَأَ الْقُرْآنَ إِلَى آخِرِهِ: أَيَّ بِكَامِلِهِ، الْيَوْمَ الْآخِرُ: يَوْمَ الْقِيَامَةِ

أُخْرَى: (اسم) الجمع: أُخْرُ، أُخْرِيَّاتُ / الْأُخْرَى: مؤنث الآخر، أحد شئین یكونان من جنس واحد

الأخرى: الآخرة، الحياة بعد الموت / في أخريات أيامه: في آخرها / انتقل إلى الدنيا الأخرى: الآخرة، دار البقاء

آخرة: (اسم) الجمع: أواخر، المؤنث آخر / الآخرة: مقابل الأولى، الآخرة دار الحياة بعد الموت

آخر: (اسم) الجمع: آخرون و آخر و أواخر، المؤنث: أُخْرَى، الجمع المؤنث أُخْرِيَّاتُ و أُخْرُ

۳- برخی اصرار دارند بین جلوس و قعود فرق بگذارند و می‌گویند: جلوس نشستن از پایین به طرف بالاست. اما قعود از

بالا به پایین است. به شخص خوابیده می‌گویم اجلس و به شخص ایستاده می‌گویم اقعُد. زمان اجلس کوتاه و اقعُد طولانی است.

قعد الشخص: جلس بعد إن كان واقفاً.



۳- «أَخ»، یعنی «برادر، دوست» مثال: «رُبَّ أَخٍ لَكَ لَمْ تَلِدْهُ أُمَّكَ.» چه بسا برادری که او را مادرت نزاییده است. «إِنَّ أَخَاكَ مَنْ آسَاكَ.» برادرت کسی است که با تو همدردی کند. أَخ به معنای مانند نیز به کار رفته است. هذا أخو ذلك؛ یعنی این مثل آن است. بصريون ميگویند أَخَوَة برادران خونی و نسبی و إخوان دوستان است.

۴ «أُخْرَجُ» در گویش عامیانه «إِطْلَعَ بَرَه» گفته می‌شود.

۵- «إِذْ» یعنی «آن‌گاه» و ظرف است برای ماضی. ﴿إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَ أَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَ جَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ التَّوْبَةُ: ۴۰ اگر او [پیامبر] را یاری نکنید، قطعاً خدا او را یاری کرد: آن‌گاه که کسانی که کفر ورزیدند او را [از مگه] بیرون کردند و او نفر دوم از دو تن بود آن‌گاه که در غار [نُور] بودند، وقتی به همراه خود می‌گفت: «اندوه مدار که خدا با ماست.» پس خدا آرامش خود را بر او فرو فرستاد و او را با سپاهسانی که آنها را نمی‌دیدید تأیید کرد و کلمه کسانی را که کفر ورزیدند پست‌تر گردانید و کلمه خداست که برتر است و خدا شکست‌ناپذیر و حکیم است.

۶- «جِسْر» در گویش حجازی «کوبری» گفته می‌شود که برگرفته از ترکی است. افزون بر جُسور به صورت أَجْسِر نیز جمع بسته شده است.

۷- «رَجَاءً» به صورت «الرَّجَاء» نیز صحیح است و برای خواهش به کار می‌رود. «مِنْ فَضْلِكَ» نیز همین کاربرد را دارد.

۸- «قَبْلَ، يُقْبَلُ» و «بَاسَ، يَبُوسُ» مترادف‌اند. باس ریشه فارسی دارد.

۹- «مَخْزَنٌ» و «مُسْتَوْدَعٌ» مترادف‌اند.

۱۰- «أَيُّوب» نام غیر عربی (عبری) است؛ لذا تنوین نمی‌گیرد.

---

→ امروزه در گویش عامیانه أَفْعَد و در فصیح اجلس گفته می‌شود. أَفْعَد را در گویش محلی عراق اُكْعَد، در کویت اِكْعَد و در سوریه عُد می‌گویند.

